

## یک لحظه توجه کن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، آنقدر مهربان بود که هر وقت آیه های عذاب نازل می شد برای گنهکاران امتش گریه می کرد و از خداوند برای آنها طلب بخشش می نمود و به تعبیر قرآن کریم در هدایت کردن مردم حرص می ورزید.

**اما، اما همین پیامبر مهربان فرمود:**

**لاینال شفاعتی من آخر الصلوه عن وقتها**

کسی که نماز را از وقتش تاخیر بیندازد، به شفاعت من نخواهد رسید.

راستی کسانی که نماز نمی خوانند چگونه اند؟ با این وصف می توانند خود را امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدانند؟



**امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:**

هر کس به طرف مسجد برود، پایش را بر هیچ تر و خشکی نمی گذارد، مگر اینکه زمین برای او تسبیح می گوید.



حیات بندگی

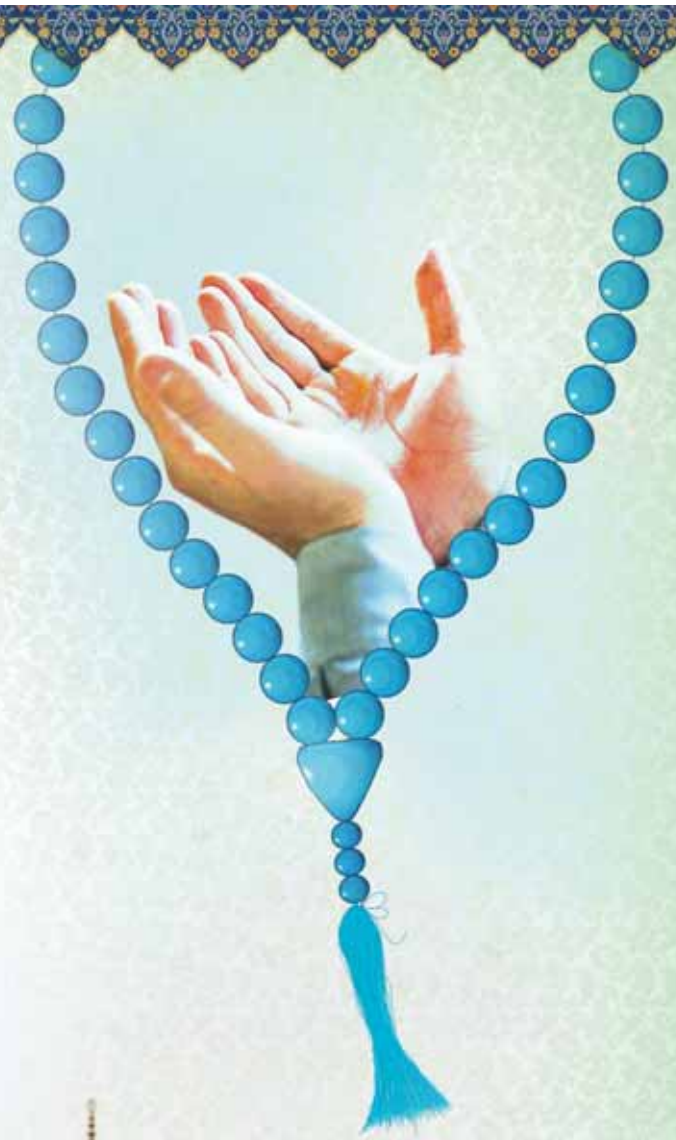


## نماز دستش را گرفت

یکی از علماء در راهی گرفتار دزدان شده و هر چه او و رفقایش داشتند، همه را سارقین غارت نمودند. آن عالم می گوید: «من کتابی داشتم که سالها با زحمت و مشقت زیادی آن را نوشته بودم، اتفاقاً آن کتاب هم به سرقت رفت، به ناچار به یکی از سارقین گفتم در میان اموال من کتابی بود که به درد شما نمی خورد اگر ممکن است آن را به من برگردانید.»

گفت: «ما بدون اجازه رئیسمان نمی توانیم کتاب شما را پس بدهیم»

به همراه آن دزد پیش رئیسشان رفتیم، وقتی رسیدم دیدم که رئیس دزدها نماز می خواند. موقعی که نمازش تمام شد من به رئیس دزدها گفتم: «اگر شما رئیس راهزنان هستید، پس این نماز خواندن چیه؟ نماز کجا؟ دزدی کجا؟» گفت: «درست است که من رئیس راهزنان هستم ولی چیزی که هست، انسان نباید رابطه‌ی خود را با خدا به کلی قطع کند و از خدا تماماً روی گردان شود، بلکه باید یک راه آشتی را باقی گذارد. حالا که شما عالمید به احترام شما اموال را برمی گردانیم.» پس از مدتی که به کربلا برگشتم، روزی در حرم امام حسین - علیه السلام - همان مرد را دیدم که با حال خضوع و خشوع گریه و دعا می کرد. وقتی که مرا دید شناخت و گفت: چون نماز را ترک نکردم و رابطه ام با خدا ادامه داشت، خدا هم توفیق توبه داده و از دزدی دست برداشتم و هر چه از اموال مردم نزد من بود، به صاحبانشان برگرداندم و هر که را نمی شناختم از طرف آنها صدقه دادم و اکنون توفیق توبه و زیارت پیدا کرده‌ام.



رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به ابوذر فرمودند:

ای ابوذر! تا زمانی که در مسجد نشسته ای خداوند برای هر نفسی که می کشی، درجه ای از بهشت برایت پاداش می دهد



حکایت بزرگ

## آخرین سفارش امام صادق (علیه السلام)

ابوبصیر می گوید؛ پس از آن که امام جعفر صادق علیه السلام به شهادت رسید، روزی جهت اظهار هم دردی و عرض تسلیت به اهل منزل حضرت، رهسپار منزل آن امام مظلوم علیه السلام گردیدم. همین که وارد منزل حضرت شدم، همسرش حمیده را گریان دیدم؛ و من نیز در غم و مصیبت از دست دادن آن امام همام علیه السلام بسیار گریستم. چون لحظاتی به این منوال گذشت، افراد آرامش خود را باز یافتند. آن گاه همسر آن حضرت به من خطاب کرد و اظهار داشت: ای ابوبصیر! چنانچه در آخرین لحظات عمر امام جعفر صادق علیه السلام در جمع ما و دیگر اعضاء خانواده می بودی، از کلامی بسیار مهم استفاده می بردی.

ابوبصیر گوید: از آن بانوی کریمه توضیح خواستم؟ پاسخ داد: در آن هنگام، که ضعف شدیدی بر امام علیه السلام وارد شده بود فرمود: تمام اعضاء خانواده و آشنایان و نزدیکان را بگوئید که در کنار من حاضر و جمع شوند. وقتی تمامی افراد حضور یافتند، حضرت به یکایک آنان نگاهی عمیق انداخت و سپس خطاب به جمع حاضر فرمود: «**کسانی که نسبت به نماز بی اعتنا باشند، شفاعت ما اهل بیت عصمت و طهارت شامل حالشان نمی گردد.**» قابل دقت است که حضرت نفرمود: شفاعت ما شامل افراد بی نماز نمی شود؛ بلکه فرمود: شفاعت ما شامل حال افراد بی اعتناء به نماز، نمی شود.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

بدترین جاهای زمین، بازار و بهترین مکان های آن، مساجد است و محبوب ترین افراد نزد خداوند کسی است که زودتر از همه به مسجد وارد شود و دیرتر از همه از آن خارج شود.



## عاشورا و نماز

برای بعضی این پرسش مطرح است که چه ضرورتی داشت امام حسین علیه السلام روز عاشورا در میان سپاه دشمن، نماز ظهر بخواند تا عده‌ای از یارانش در این راه شهید شوند؟

در جواب باید گفت نماز عمود خیمه دین و استوارترین رشته پیوند میان بنده و مولاست. مؤمن با نماز شناخته می‌شود و با نردبان آن تا عرش خدا بالا می‌رود و قدم بر بساط قرب می‌گذارد نماز راه انس با خدا و روشنی بخش چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله است. نماز اولین و آخرین سفارش پیامبران است. نماز بازدارنده از آلودگی و زشتی است و حتی اگر کامل هم بجا آورده نشود، باز هم سدی میان انسان و گناه است.

اگر نهضت جاوید حسین بن علی علیه السلام برای اقامه حق و زنده کردن دین خدا و رها ساختن آن از چنگال خرافات و هواپرستان ستمگر است و عمود دین هم نماز است، چرا نباید نگرهبان و پاسدار دین و شریعت محمدی صلی الله علیه و آله عمود دین را در عرصه خونین کربلا و در برابر هجوم بی‌امان و ناجوانمردانه دشمن با خواندن نماز عشق، محکم و استوار سازد؟

جا دارد که از خود پرسیم در نماز و دعا و تلاوت کتاب خدا چه رمزی و رازی و لذتی نهفته است که امام حسین علیه السلام با وجود شعار «هیاهات منا الذله» که در تابلو عشق با خطی خونین بر سینه آسمان نصب شده و به همه جهانیان درس جنبش و آزادگی و پایداری می‌دهد، عصر تاسوعا که لشکر دشمن آماده حمله می‌شود در خواست می‌کند تا فردا جنگ به تأخیر بیفتد و می‌فرماید: «شاید امشب برای پروردگاران نماز به جا آوریم و به درگاه او دعا نموده و طلب بخشش کنیم. خدا می‌داند که من نماز به درگاه او و خواندن کتابش و زیاده دعا و استغفار را دوست می‌دارم.»

بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند:

مساجد بازاری از بازارهای آخرت هستند

که در آن بر سفره آموزش می‌نشینند و با هدیه بهشتی بدرقه می‌شوند.





## وسيله‌ای برای دوری از گناه

نماز گزار ناچار است که برای صحت و قبولی نماز خود از بسیاری از گناهان اجتناب ورزد؛ مثلاً، یکی از شرایط نماز مشروع بودن و مباح بودن تمام وسایلی است که در آن به کار می‌رود، مانند آب وضو و غسل، جامه‌ای که با آن نماز می‌گزارد و مکان نماز گزار؛ این موضوع سبب می‌شود که گرد حرام نرود و در کار و کسب خود از هر نوع حرام اجتناب نماید؛ زیرا بسیار مشکل است که یک فرد تنها در امور مربوط به نماز به حلال بودن آنها مقید شود و در موارد دیگر بی پروا باشد. گویا آیه زیر به همین نکته اشاره می‌کند و می‌فرماید: «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر؛ نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد.»

بالاخص اگر نماز گزار متوجه باشد که شرط قبولی نماز در پیشگاه خداوند این است که نماز گزار زکات و حقوق مستمندان را بپردازد؛ غیبت نکند؛ از تکبر و حسد بپرهیزد؛ از مشروبات الکلی اجتناب نماید و با حضور قلب و توجه و نیت پاک به درگاه خدا رو آورد و ... به این ترتیب نماز گزار حقیقی ناگزیر است تمام این امور را رعایت کند. روی همین جهات، پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «نماز چون نهر آب صافی است که اگر انسان خود را در آن شست و شو دهد، هرگز بدن او آلوده و کثیف نمی‌شود.» همچنین کسی که در شبانه روز پنج مرتبه نماز بخواند و قلب خود را در این چشمه صاف معنوی شست و شو دهد، هرگز آلودگی گناه بر دل و جان او نمی‌نشیند.

آثار فردی و تربیتی نماز به آنچه که گفته شد منحصر نیست؛ ولی این نمونه می‌تواند نشانه کوچکی از اسرار بزرگ این عبادت بزرگ اسلامی باشد.



امام حسن (علیه السلام) می‌فرمایند:

اهل مسجد زائران خدا هستند و بر زیارت شونده است که به زائرانش هدیه ای بدهد



حاجت بندگی



## فواید و آثار نماز (۱)

- \* نماز معنادهنده و جهت دهنده به زندگی آدمی است.
- \* نماز راز و نیاز و صحبت کردن با معبود یگانه است.
- \* نماز پاسخ به حس پرستش آدمی و تشکر از خداوند است (پرستش کنید پروردگارتان که شما را آفرید).
- \* نماز آرامش دهنده به روح و روان آدمی است (الابدکار الله تطمئن القلوب).
- \* نماز درمان کننده افسردگی ها، اضطراب ها، نگرانی ها و ناهنجاری های رفتاری و اخلاقی است.
- \* نماز جبران کننده ضعف ها، ناتوانی ها، نقص ها و بی ارادگی های آدمی است.
- \* نماز درمان خودپرستی، خودستایی، خودبزرگ بینی، حسادت، تملق و دیگر امراض روحی و روانی است.
- \* نماز عامل رهایی انسان از بندهای شهوانی و دنیوی است (ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر).
- \* نماز عامل غفلت زدایی انسان است.
- \* نماز سدی در برابر گناهان و بزهکاری های بشری است.
- \* نماز موجب پرواز روح به اوج آسمان معنویت است (یا ایته النفس المطمئنه ارجعی الی ربک).
- \* نماز عامل تقرب و نزدیکی به خداوند است (و نماز گزار مانند کودکی است که تا دست در دست پدر دارد، احساس امنیت و قدرت می کند).

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:  
هر کس که کلامش قرآن و خانه اش مسجد  
باشد، خداوند منزلی در بهشت برای او بنا می کند.

## فواید و آثار نماز (۲)

- \* نماز وسیله اتصال به خداوند و گرفتن قدرت از خداوند در برابر قدرتمندان و زورگویان است.
- \* نماز سبب پرورش فضایل، نیکی‌ها و ارزش‌ها در انسان و اجتماع است.
- \* نماز عامل قبولی طاعات و عبادت‌های دیگر انسان است.
- \* نماز موجب تقویت روح انضباط، نظافت و وقت‌شناسی است.
- \* نماز سبب عاقبت به‌خیری و رستگاری انسان است.
- \* نماز به سبب انجام فرمان خداوند و برای یاد و رضای اوست (اقم الصلوه لذكری).
- \* نماز غذای روح است و همانطور که بهترین غذا آن است که جذب بدن شود، بهترین عبادت هم نمازی است که جذب روح شود یعنی با نشاط و حضور قلب انجام گیرد و آثار آن در رفتار نمازگزار ظاهر شود.
- \* نماز وسیله دریافت امدادها و الطاف الهی است.
- \* نماز افتخاری است که نصیب انسان شده تا در شبانه‌روز هفتاد و نوبت با خالق هستی سخن بگوید.
- و او را مخاطب خویش قرار دهد تا کلام انسان را بشنود و بپذیرد.
- \* نماز بزرگترین عامل تربیت انسان است زیرا نمازگزار ناچار است که به خاطر صحت و قبولی نماز، یکسری دستورهای دینی را مراعات کند که رعایت آنها خود زمینه‌ای قوی برای دوری از گناه و زشتی است.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

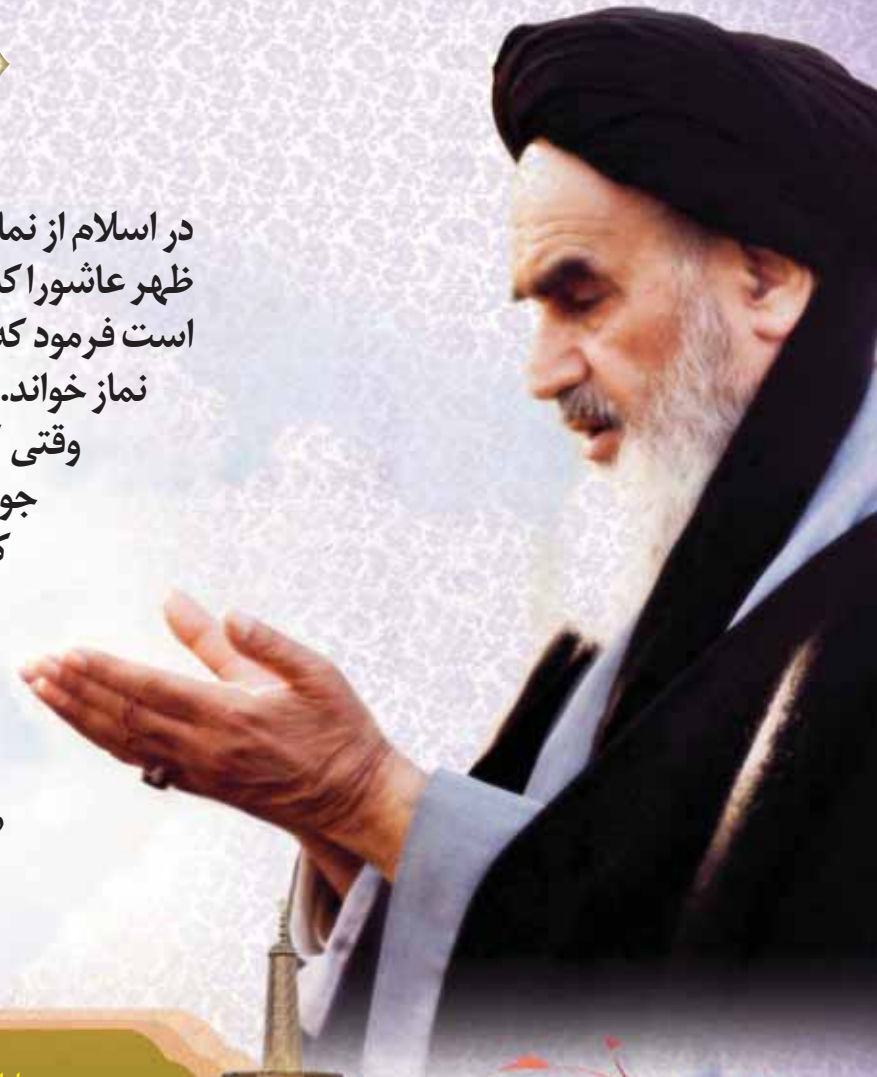
سه چیز در روز قیامت شکایت می‌کند:

- ۱- مسجدی که خراب شده و کسی در آن نماز نمی‌خواند.
- ۲- قرآنی که در جای مرتفعی قرار داده شده و خاک روی آن نشسته است.
- ۳- دانشمندی که گرفتار بی‌خردان باشد



## کارخانه انسان سازی

در اسلام از نماز هیچ فریضه ای بالاتر نیست. نماز پشتوانه ملت است. سید الشهداء در همان ظهر عاشورا که جنگ بود، و همه در معرض خطر بودند، وقتی یکی از اصحاب گفت که ظهر شده است فرمود که: یادم آوردید نماز را و خدا تو را از نماز گزاران حساب کند. و ایستاد در همان جا نماز خواند. نگفت که ما می خواهیم جنگ بکنیم، خیر، جنگ را برای نماز کردند. امیرالمؤمنین وقتی که یکی مسئله ای، یک چیزی از او پرسیدند در همان بحبوحه جنگ ایستاد و جواب داد. حالا... من شمشیر برای این می زنم. جنگ در اسلام یک چیزی نیست که خودش یک مطلبی باشد، یک چیزی باشد یک طرحی باشد. جنگ برای این است که آن زبانه هایی که هستند آنهایی که مانع از پیاده شدن اسلام هستند، آنهایی که مانع از ترقی مسلمین هستند، آنها را از بین راه بردارند. مقصد این است که اسلام را پیاده کنند و با اسلام انسان درست کنند. نماز یک کارخانه انسان سازی است، فحشا و منکر را نماز از بین می برد، نماز خوب فحشاء و منکر را از یک امتی بیرون می کند.



امام صادق (ع) می فرماید:

هر کس برای عبادت خدا وارد مسجد شود، خداوند او را از زائران خود قرار می دهد. پس بسیار به مسجد بروید تا بیش تر زائر خدا شوید



عبادت سبک





## ارتباط صمیمانه میان انسان و خدا

نماز و نیایش، ارتباط صمیمانه ای است میان انسان و خدا، آفریده و آفریدگار. نماز، تسلابخش و آرامشگر دلهای مضطرب و خسته و بستوه آمده و مایه صفای باطن و روشنی روان است. بیمان و انگیزه تحرک و بسیج و آمادگی است، در حالی صمیمانه و دور از رنگ و فریب، برای نفی هر بدی و زشتی است و تدارک هر نیکوئی و زیبایی.

برنامه ای است برای باز یافتن و آگاه ساختن خویش، و کوتاه سخن، رابطه و استفاضه ای مداوم است با سرچشمه و پدیده آورنده همه نیکی ها، یعنی خدا... یکی از عمل هایی که سرشار از انگیزه یاد خداست و می تواند انسان را یکسره غرق در یاد خدا کند، و می تواند بیدار باش و به خویش آورنده باشد، و می تواند همچون شاخص و علامتی، رهروان راه خدا را بر روی خط مستقیم بدارد و از گیجی و گمی حفظ کند و می تواند از لحظه ای غفلت زندگی آدمی مانع شود، نماز است.

انسان از لابلای مشغولیت های فکری که او را احاطه کرده است به ندرت می تواند به خود و هدف زندگی و گذشت لحظات و ساعات و روزها بیندیشد چه بسا روزها که شب می گردد و روزهای دیگری که آغاز می شود و هفته ها و ماهها که می گذرد و انسان به آغاز و پایان آن توجه نمی یابد و گذشت زندگی و معنا یا بطالت آن را احساس نمی کند.

نماز یک زنگ بیداری و یک هشدار در ساعات مختلف شبانه روز است. به انسان برنامه می دهد و از او تعهد می خواهد، به روز و شبش معنا می دهد. و از گذشت لحظه ها حساب می کشد. در آن هنگام که انسان مشغول و بی خبر از طی زمان و انقضای عمر است او را می خواند و به او می فهماند که روزی گذشت و روزی آغاز شد. باید فعالیت کنی، مسئولیت بزرگتری بر عهده بگیری و کار مهمتری انجام دهی به دلیل آن که بخشی از عمر، از فرصت عمل، به سر آمد. باید بیشتر تلاش کرد و بیشتر رفت زیرا هدف بزرگ است، مگر تا فرصت از کف نرفته به آن دست یافت.

مقام معظم رهبری امام خامنه ای

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: می فرمایند:

هر کس برای خواندن نماز جماعت، گامی به سوی مسجد بردارد آن کاش هفتاد هزار ثواب دارد و درجه ی او را خداوند به نسبت این ثواب ها بلند گرداند. اگر در حال رفتن به مسجد بمیرد، خداوند ۷۰ هزار فرشته را وکیل می کند که برای او استغفار کنند



حیات بندگی

## اوج بندگی

نماز معراج است، اگر انسان صادقانه باشد و حرف هایی را که در نماز می زند دروغ نباشد، این نماز معراج است. وقتی انسان می گوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» بنده هیچ موجودی غیر از خدا نیستم، استعانت به غیر از خدای تعالی ندارم و در تمام حوایج، علوم، اقتصاد، سلامت و شفا، پناهگاه من خدای تعالی است. اگر انسان موجودی باشد که غیر خدا را عبادت نکند و به ما سوی الله استعانت نجوید، نماز معراج اوست. معارف اخلاق، عبادات، صوم و صلاه و حج، برای این است که انسان به این مرحله برسد... این عروج و معراج اوست. ولی خدا باید توفیق دهد، تا کسی بتواند خود را به این مرحله برساند... نماز معراج است ولی (برای) مؤمنی که راستگو باشد و وقتی می گوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» دروغگو نباشد. اگر روزی صد مرتبه انسان این دروغ ها را بگوید به جای این که صعود پیدا کند، سقوط می کند. عروج نتیجه صداقت انسان است. اگر صادقانه گفت: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» آن وقت منبع علم و حکمت و قدرت می شود و تمام برکات الهی بر این موجود نازل می شود ولی ورود به این مرتبه خیلی مشکل است و بدون توفیقات و تاءیدات الهی نمی توان آتش های دنیا را تحمل کرد.

حضرت آیت... بهاءالدینی



حکایت بندگی

### رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

خداوند تا زمانی که در مسجد نشسته ای، برای هر نفس یک درجه به تو اعطا می کند و فرشتگان بر تو درود می فرستند، و برای هر نفس ۱۰ ثواب نوشته و ۱۰ گناه از گناهانت پاک می شود



## راه به خاک مالیدن بینی دشمن

بدترین دشمن انسان همان قسم خورده ای است که در هیچ حالی انسان را راحت نمی گذارد و همیشه به فکر ضربه زدن به اوست. آن خبیث، گرگی است که در لباس میش جلوه کرده و طرح دوستی ریخته و با فریب و نیرنگ به سراغ انسان می آید. زشتی ها را زیبا، تلخی ها را شیرین و مرداب ها را برکه و جهنم را بهشت نشان می دهد. پست ترین دشمن هموست که با خداهم سرچنگ دارد. در مقابل پروردگار هم کبر و غرور می ورزد، قد علم می کند و خود را برتر و بهتر از دیگران می پندارد.

شیطان بدترین و پست ترین و در عین حال نزدیکترین دشمن انسان است. در خباثت و دشمنی اش با انسان همین بس که به خاطر این دشمنی خود را از جایگاه قرب الهی به پرتگاه های عمیق جهنم کشاند و تا ابد رجیم و ملعون گردید. او که برای دشمن اش چنین هزینه هنگفتی پرداخته است طبیعی است که بیشترین دشمنی ها و مکر ها را بر علیه انسان به کار گیرد تا او را خوار و ذلیل گرداند.

حال که او را شناختیم باید برای مقابله با حملات او بهترین پاتک ها و ضدحملات را به کار بندیم. اما بهترین راه مقابله کدام است؟ بهتر است از امام مهربان و حجت خدا و ولی عصرمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاموزیم که فرمود: «هیچ چیز همانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی مالد و او را خار نمی کند».

آری نماز بهترین اسلحه برای مبارزه با این خبیث ترین است. او که ذاتش مملو از کبر و غرور است چه چیزی بهتر از نماز که نماد بندگی و تواضع در مقابل پروردگار عالم است، می تواند بیچاره اش کند.

او که برنامه حمله از چهار جهت به ما را دارد، بایستی از نقاط ضعفش رخنه کنیم. دو جهت آسمان و زمین نقطه ضعف های اویند که نمی تواند به ما آسیب برساند، چه چیزی بهتر از نماز که در آن هم دست به آسمان دعا برمی داریم و هم سر به سجده می نهیم.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند:  
نشستن در مسجد به انتظار نماز عبادت  
است، تا زمانی که غیبت نکند.

## اهمیت و ارزش نماز

بهترین راه برای تکامل و تقرب انسان به خدا، نماز است و خدا به جهت عنایت به انسان و تکامل او، این عمل را واجب کرد و الا او نیازی به نماز ندارد. او تحت هر شرایطی، بر ما واجب کرده در اوقات پنجگانه نماز را به جای آوریم؛ حتی فقها فرموده اند: کسی که در حال غرق شدن در دریاست اگر وقت نماز شد باید با همان حال نماز بخواند و به خدا توجه قلبی داشته باشد، گرچه رو به قبله بودن و سایر شرایط از او ساقط می گردد. این نیست جز به خاطر نقش اساسی نماز در تکامل و سعادت انسان، لذا رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: «الصلاة خیر موضوع نماز بهترین قانونی است که وضع شده است».

گاهی دو رکعت نماز و حتی دو رکعت نافله که صحیح و با حال و توجه خوانده شود، موجب می گردد گناهان انسان بخشوده شود، چون ممکن نیست انسان، با توجه و حال نماز بخواند و بداند در برابر چه کسی ایستاده، اما از کرده های زشت خود پشیمان نگردد و تصمیم نگیرد، دیگر به گناه روی نیاورد. اگر ما به ماهیت نماز پی برده و درست از آن بهره ببریم، دیگر در ما آلودگی باقی نمی ماند، ولی متأسفانه ما قدر نماز را نمی دانیم و آن را سرسری می گیریم؛ لذا کمتر فایده های از او می ببریم. پس باید در اهمیت و آثار ارزشمند نماز بیندیشیم، تا پی ببریم به اینکه با این نمازهای فاقد حال و توجه و حضور قلب، خود را از چه فواید و برکاتی محروم ساخته ایم. وقتی دو رکعت نماز موجب می گردد، همه گناهان انسان آمرزیده شود، پایداری در انجام نمازهای شایسته و درخور پذیرش الهی، انسان را به والاترین درجات «قرب الی الله» نایل می کند. حال با توجه به این نکات، چیزی جز ندامت و پشیمانی و حسرت در اثر از دست دادن آن منافع کلان، برای ما باقی نمی ماند.



**رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:**

مساجد، خانه پارسایان است و هر کس مسجد خانه اش باشد (اوقات خود را در آن و به عبادت بگذرانند) خداوند انجام کار او را رحمت و شادی قرار داده و اجازه عبور از صراط به سوی بهشت را به او خواهد داد.

## راهی برای حضور قلب

از جمله اموری که باعث می‌گردد انسان حضور قلب پیدا کند، این است که قبل از نماز در عظمت خداوند تفکر کند و درک کند که در برابر چه کسی ایستاده است. باید پیش از نماز لحظاتی را به تفکر مشغول گردد و توجه خود را به خدا معطوف سازد، برای چند دقیقه، دل را از افکار و خیالات واهی خالی سازد و با متمرکز ساختن حواس خود، سعی کند حضور قلب پیدا کند. اگر انسان خود را در مقابل خدا ببیند و حضور و عظمت او را درک کند، بیشتر دلش را کنترل می‌کند و بهتر حضور او را احساس می‌کند.

امام صادق (علیه السلام) در روایت مفصلی نقل می‌کند که زینب عطر فروش در باره عظمت خداوند متعال از پیامبر سؤال کرد، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در جواب به مقایسه عوالم و آسمان های هفت گانه پرداختند و کوچکی هر کدام را نسبت به دیگری بیان کردند، از جمله فرمودند: «این زمین با آنچه درون اوست و آنچه بر روی اوست، در برابر آسمان اول به مانند انگشتتری است که در بیابانی پهناور افتاده باشد و همین طور آسمان اول در برابر آسمان دوم به مانند انگشتتری است که در بیابانی افتاده باشد ...» این نسبت در مقایسه هر یک از عوالم به عالم بالاتر نیز وجود دارد و شکی نیست مقایسه بین عوالم، انسان را به عظمت الهی رهنمون می‌کند. زمین با همه گستردگی و فراخی، در برابر خورشید خیلی کوچک است و همین طور خورشید قابل مقایسه با برخی ستارگان دیگر نیست و همه در فضایی شناورند و هیچ‌گاه با یکدیگر برخورد نمی‌کنند. علاوه کسی که با هیئت جدید آشنا باشد، می‌داند که گاهی فاصله بین کهکشان ها میلیون ها سال نوری است. نوری که هر ثانیه سیصد هزار کیلومتر مسافت را طی می‌کند، حساب کنید در طول یکسال چقدر حرکت می‌کند، تا برسد به یک میلیون سال نوری! تازه ورای این کهکشان ها، عوالم دیگری نیز هست، چرا که ستارگان مرئی تنها زیورهای آسمان اول هستند، در این باره خداوند می‌فرماید:

«وَزَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ» ۱ آسمان پایتتر را به چراغ های درخشانده زیور دادیم. (کسی از آسمان های دیگر خبر ندارد و حتی نمی‌تواند وسعت آنها را حدس بزند). شکی نیست که همه اینها بیانگر حکمت و عظمت بی کران الهی است. پس وقتی انسان با توجه به عظمت آفرینش، تا حدی عظمت خداوند را شناخت، باید در نماز متوجه باشد در برابر چه کسی ایستاده است.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرماید:

خداوند وقتی مرضی را از آسمان بر مردم فرود آورد آن را از بانیان مساجد دور بگرداند.



حدیث بندگی

## حقیقت و ماهیت نماز

نماز یعنی اینکه بنده در برابر خداوند بایستد و اظهار بندگی کند و دست نیاز به سوی او داشته باشد. کسی که به نماز می‌ایستد باید محضر خدا را درک کند و بداند در برابر چه مقامی ایستاده است و در نتیجه، وظیفه بندگی را با نهایت خضوع و خشوع به جای آورد. در روایتی وارد شده است، کسی که نماز می‌خواند، ولی دل به نماز نمی‌سپرد، آیا نمی‌ترسد که او را به صورت الاغ مسخ کنیم. آن قدر بی توجهی در نماز زشت و ناشایست است که کسی که بدان مبتلا گردد، مستحق این است که به صورت الاغی مسخ شود؛ در واقع او انسان نیست. چطور ممکن است انسان در برابر بزرگی بایستد و هیچ توجهی به او نداشته و دلش جای دیگر باشد، چه رسد به اینکه در برابر خدای جهان بایستد - خدایی که همه هستی، همه خوبی‌ها و همه نعمت‌ها از اوست - و به اندازه توجه به یک انسان معمولی نیز به او اعتنا و توجه نکند!

آیا وقتی انسان در برابر دیگری ایستاده و با او سخن می‌گوید، رویش را از او بر می‌گرداند؟ و اگر چنین کند نمی‌گویند او دیوانه است؟

آیا کسی که خداوند، از روی لطف، بدو اجازه داده در حضور او بایستد و با او سخن گوید و به درد دل و مناجات پردازد - به جای غنیمت شمردن این فرصت و شکر بر این نعمت بزرگ - جا دارد از او غافل گردد؟ شخصیت‌های بزرگ به راحتی اجازه نمی‌دهند هر کسی به خدمت آنها برسد، اما خداوند متعال به جهت محبت بی حدش، در خانه‌اش را به سوی همه انسانها باز گذاشته و به آنها اجازه داده روی به سوی او داشته باشند. حال باید فرصت را غنیمت بشماریم و با تمام وجود روی به سوی او داشته باشیم و تمام توجهمان به سوی او باشد.



رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند:  
نشستن در مسجد برای سه چیز باشد:  
۱- خواندن نماز ۲- یاد خدا کردن ۳- پرسش علمی.



## دلسوزی شیطان!

مردی صبح زود از خواب بیدار شد تا نمازش را در مسجد بخواند. لباس پوشید و راهی خانه خدا شد. در راهی که می‌رفت به زمین خورد و لباس‌هایش کثیف شد. بلند شد، خودش را تکاند و به خانه برگشت. مرد لباس‌هایش را عوض کرد و دوباره راهی مسجد شد. در راه دوباره به زمین خورد! او دوباره بلند شد، خودش را تکاند و به خانه برگشت. یک بار دیگر لباس‌هایش را عوض کرد و راهی مسجد شد و در راه با مردی که چراغ در دست داشت برخورد کرد و نامش را پرسید. مرد پاسخ داد: «من دیدم شما در راه دوباره به زمین افتادید از این رو چراغ آوردم تا بتوانم راهنمایان را روشن کنم.» مرد اول از او تشکر کرد و هر دو به طرف مسجد رفتند. همین که به مسجد رسیدند، مرد اول از مرد چراغ به دست درخواست کرد تا با او به مسجد برود و نماز بخواند. مرد دوم از رفتن به داخل مسجد خودداری کرد. مرد اول درخواستش را دوباره تکرار کرد و مجدداً همان جواب را شنید، پس سوال کرد که چرا او نمی‌خواهد وارد مسجد شود و نماز بخواند. مرد دوم پاسخ داد: «من شیطان هستم.» مرد اول با شنیدن این جواب جا خورد. شیطان ادامه داد: من شما را در راه به مسجد دیدم و این من بودم که باعث زمین خوردن شما شدم وقتی شما به خانه رفتید خودتان را تمیز کردید و به طرف مسجد برگشتید، خدا همه گناهان شما را بخشید. من برای بار دوم باعث زمین خوردن شما شدم و حتی آن هم شما را تشویق به ماندن در خانه نکرد و دوباره به سمت مسجد برگشتید. به خاطر آن، خدا همه گناهان افراد خانواده‌ات را بخشید. من ترسیدم که اگر یک بار دیگر باعث زمین خوردن شما بشوم خدا گناهان افراد دهکده‌تان را ببخشد. بنابراین من سالم رسیدن شما را به مسجد تضمین کردم!

امام صادق (ع) می‌فرمایند:  
مساجد در روز قیامت از همسایگانی که در آن جا  
نماز نمی‌خوانند شکایت می‌کنند.



## غبطه اموات بر اهل مسجد

هیچ روزی نیست مگر این که فرشته ای در گورستان ها (به مردگان) ندا می کند: به چه کسانی غبطه می خورید؟ می گویند: به اهل مساجد که نماز می گزارند و ما قدرت بر آن نداریم و روزه می گیرند و ما نمی توانیم روزه بگیریم.

دین مبین اسلام در خصوص مسائل اجتماعی مسلمانان اهمیت فراوانی قائل شده و آنچه که از آیات و روایات فراوان به دست می آید حکایت از توجه دادن مسلمین به تجمع و اجتماع، وحدت و یکپارچگی و دوری از هر نوع تک روی، انزوا و رهبانیت است. به همین منظور مکان های خاصی در نظر گرفته شده که اولین و مهم ترین آنها پایگاه مسجد می باشد.

\* مسجد مرکزی معنوی، عبادی، علمی، سیاسی، و حکومتی است که مقرر فرماندهی و مدیریت جامعه پیرامون خود است.

\* مسجد یک پایگاه قوی عبادی است که محل عبودیت، بندگی، یاد خدا و دوری از هر نوع شرک و بت پرستی (از نوع قدیم و جدید) می باشد.

\* مسجد یک پایگاه فکری و اعتقادی است که تعلیم و فراگیری معارف بلند الهی، انسانی و اسلامی از اهداف عالی آن است.

\* مسجد وعده گاه مؤمنین، محل برقراری صفا و صمیمیت بین آنها و آموزش وحدت و یکپارچگی است که بسیاری از مشکلات اجتماعی مسلمانان در آن دفع و رفع می شود

امام علی (علیه السلام) می فرمایند:

هر یک از شما که با اندوهی از اندوههای دنیا مواجه شد وضو بگیرد و به مسجد برود و دو رکعت نماز بخواند و رفع اندوه و شدائد خود را از خدا بخواهد آیا نشنیده اید که خداوند فرمود:  
واستعینوا بالصبر والصلوة



## درد دل های مسجد!

من مسجد هستم! خانه خدا، عبادتگاه مسلمین، یک سری درد دل‌هایی با شما دارم دوست دارم کمی حوصله کنید و گلایه های این همسایه را بشنوید. با اینکه هر روز سه نوبت در خانه ام را به روی شما باز می کنم و چند ساعت به انتظار شما می مانم ولی بعضی از شماها سراغ من نمی آید و با من انس نمی گیرید. مثل اینکه با من قهرید؟ مگر از من چه بدی دیده اید؟ چرا این همه بی وفائی؟ چه خاطره بدی از من دارید؟ من که همیشه دل شما را روشن و قلبتان را با صفا کرده ام من که همیشه به شما آرامش روحی داده ام. چرا از من و صاحب من، که خداست، قهر می کنید؟

خدا فرموده که مرا آباد سازید؛ فکر می کنید آبادی من به چیست؟ آبادی من به حضور شماست، به برگزاری پرشکوه نماز جماعت، به معنویت و نیایش، به تبدیل شدن من به پایگاهی برای گسترش ایمان و آگاهی و تقویت دین و بسیج مردم و کمک به مسلمین و سنگری برای دفاع از اسلام و میهن به همبستگی دلها و الفت جانهای نماز خوانان.

دوستان مسجدی، از شما دوستان مسجدی هم گله دارم، چرا تنها به مسجد می آید؟ چرا ثواب نماز و عبادت و تلاوت در مسجد، حتی حضور در مسجد را برای مردم نمی گوید؟ دوستان، چرا دیر به مسجد می آید و زود با عجله می روید؟ مگر مستحب نیست که انسان زود به مسجد برود و دیرتر بیرون آید؟ چرا «حی علی الصلاة» را جدی نمی گیرید و همیشه به رکعت دوم نماز می رسید؟ دوست دارم در جلسات و نمازها چهره های جوانان را بیشتر ببینم، کودکان را از مسجد بیرون نکنید بلکه یادشان بدهید که آداب، آرامش و نظافت را مراعات کنند، تا آنها هم «مسجدی» شوند.

**امام علی (ع) می فرمایند:**

نشستن در مسجد برای من از نشستن در بهشت محبوب تر و بهتر است زیرا با نشستن در بهشت به خواسته خودم نائل شده ام ولی با نشستن در مسجد به خواست خداوند نائل می شوم





# حَدِيثِ سُنْدُك



الَّذِينَ إِن مَكَّانُهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ

اقامه نماز فقط این نیست که صالحان ، خود نماز بگزارند، این چیزی نیست که بر تشکیل حکومت الهی متوقف باشد؛ بلکه باید این ستون دین در جامعه به پا داشته شود و همه کس با رازها و اشاردهای آن، آشنا و از برکات آن برخوردار گردند. در خشش معنویت و صفای ذکر الهی، همه آفاق جامعه را روشن و مصفا کند؛ و تنها و جانها یا هم به نماز بشتابند و در پناه آن طمأنینه و استحکام یابند. نماز، رکن اصلی دین است و باید اصلی ترین جایگاه را در زندگی مردم داشته باشد. حیات طیبه انسان، در سایه حاکمیت دین خدا، وقتی حاصل خواهد شد که انسان ها دل خود را با یاد خدا زنده نگهدارند و به کمک آن بتوانند با همه جاذبه های شر و فساد مبارزه کنند و همه بت ها را بشکنند، و دست تجاوز همه شیطان های درونی و برونی را از وجود خود قطع کنند. این ذکر و حضور دائمی فقط به برکت نماز حاصل می شود و نماز در حقیقت ، پشتوانه مستحکم و ذخیره تمام نشدنی در مبارزه ای است که آدمی با شیطان نفس خود که او را به پستی و زبونی می کشد، و شیطان های قدرت که با زر و زور، او را وادار به ذلت و تسلیم می کنند، همیشه و در همه حال دارد. هیچ وسیله ای مستحکم تر و دائمی تر از نماز برای ارتباط میان انسان با خدا نیست. مبتدی ترین انسان ها، رابطه خود با خدا را به وسیله نماز آغاز می کنند. برجسته ترین اولیاء خدا نیز، بهشت خلوت انس خود یا محبوب را در نماز می جویند.